

کوتاه از **دیپلماسی**

### توضیح اندونزی درباره توقیف نفت‌کش ایرانی

**● ایلنا:** سخنگوی سازمان امنیت دریایی اندونزی درباره توقیف نفت‌کش ایرانی توضیحاتی ارائه داد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، ویسنو پراماندیتا‌گفت: ما روز گذشته دو نفتکش خارجی را توقیف کردیم و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد و خدمه درحال بازجویی هستند. این مقام اندونزیایی افزود: نفت‌کشاها، نفت را از ام‌تی هوس (MT Horse) به امتی فربا (MT Freya) منتقل می‌کردند و با خاموش کردن سیستم شناسایی و نشان‌ندادن پرچم در حال حرکت بودند؛ بنابراین آن‌ها ۶۱ نفر کشت بازشادت شدند.

**سخنگوی وزارت خارجه:**

### درباره نفت‌کش منتظر اطلاعات بیشتر هستیم

**● ایرنا:** سخنگوی وزارت خارجه ایران درباره توقیف کشتی ایران در اندونزی خاطرنشان کرد: «درخصوص کشتی ایرانی که در آب‌های اندونزی توقیف شده است، منتظر اطلاعات بیشتری هستیم». سعید خطیب‌زاده با بیان اینکه «اطلاعاتی ضدوقتیض درباره این کشتی دریافت کردیم»، گفت: «از طرف اندونزی خواسته‌ایم اطلاعات بیشتری به ما بدهد. همیشه مسائل فنی مطرح بوده است. وزارت راه و سفارت ایران پیگیر این موضوع هستند». او درباره ارتباط توقیف کشتی ایران از سوی اندونزی با توقیف کشتی کره‌ای خاطرنشان کرد: «همیشه می‌شود حدس زد. به ما مسائل فنی را گفته‌اند. قبلا نیز این مسائل را با کشورهای شرقی آسیا داشتیم که حل هم شده است.»

**نماینده روسیه در سازمان ملل:**

### خواهان اجرای کامل برجام هستیم

**● ایلنا:** نماینده دائم روسیه در سازمان ملل بر ضرورت اجرای برجام تأکید کرد. به گزارش تاس، واسیلی نینزیا گفت: «مازد تصدی مقام وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که بایدن خواهان بازگشت ایالات متحده به برجام است. ولی مسئله این است که چه وقت و چگونه این اتفاق رخ می‌دهد. البته هم ایران و هم آمریکا شروطی دارند: ایران تأکید دارد که باید ایالات متحده به‌طورکامل به اجرای تعهدات خود در توافق هسته‌ای بازگردد و آمریکا نیز همین مسئله را درباره ایران طرح می‌کند». وی افزود: «ما می‌خواهیم برجام کاملا توسط همه اعضای این توافق اجرا شود.»

**وزیر خارجه آلمان:**

### به حضور آمریکا احتیاج است

**●** وزیر امور خارجه آلمان در بدو ورود به نشست وزیران اتحادیه اروپا از عملکرد دولت جدید آمریکا ابراز خرسندی کرد. به گزارش ایسنا، هایکو ماس در صفحه توییترش بخشی از اظهاراتش در بدو ورود به نشست وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا را منتشرکرده و نوشت: «خوشحالم که جو بایدن می‌خواهد آمریکا را به‌عنوان شریک قابل اعتمادی برای صلح عرصه بین‌المللی بازگرداند. این چیزی است که برای آن به حضور آمریکا احتیاج است. ما فقط می‌توانیم به‌طور مثال در زمینه مانعت از دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای، باهم به اهدافمان برسیم.»

**دیپلمات بریتانیایی**

### نفوذ ایران در یمن مدام بیشتر می‌شود

**●** سفیر بریتانیا در یمن مدعی شد: «انصالله کودکان را به جبهه‌های جنگ و دانشجویان را برای علم‌آموزی به قم می‌فرستد». به گزارش ایلنا به نقل از الشرق‌الاوسط، مایکل آرون افزود: «نفوذ ایران در شمال یمن مدام بیشتر می‌شود؛ با توجه به این ما شاهد تغییر در جامعه یمن خواهیم بود.»

سفرهای مقامات آمریکایی به منطقه عربی و اسرائیل آغاز شده همان‌طورکه مذاکرات متفاوتی هم با طرف‌های متنوعی درباره ایران آغاز شده است. روز یکشنبه گنت مک‌کنزی، فرمانده سنتتام، برای اولین‌بار از زمان روی‌کارآمدن جو بایدن به تل‌آویو سفر کرد. شنبه‌شب هم میر بن شبات، مشاور امنیت داخلی این رژیم، گفت‌وگویی با همتای آمریکایی خود، جیک سالیوان داشت. هم‌زمان با این سفر، طبق اعلام کاخ الیزه، امانوئل مکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، گفت‌وگوی تلفنی با جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا داشت که یکی از موضوعات مورد بحث در این گفت‌وگو برنامه هسته‌ای ایران بوده است. رهبران دو کشور در این

گفت‌وگو «تأمیل خود را برای همکاری مشترک به‌منظور برقراری صلح در خاورزندیک و خاورمیانه و به‌ویژه مسئله هسته‌ای ایران ابراز کردند». بایدن پیش‌تر با بوریس جانسون، نخست‌وزیر انگلیس نیز تلفنی صحبت کرده بود.

به گزارش ایسنا به نقل از دیفنس وان، ژنرال مک کنزی، فرمانده مرکز فرماندهی نیروهای آمریکایی در منطقه (سنتتام) حین انجام اولین پرواز خود به خاورمیانه از زمان آغاز ریاست‌جمهوری جو بایدن، شرایط کنونی را «دوران فرصت» در روابط ایران و آمریکا توصیف کرد.

او در جمع خبرنگاران با ادعای اینکه در ماه‌های منتهی به انتخابات و تحلیف بایدن تهدیدهایی

## رایزنی آمریکایی– اسرائیلی درباره ایران

شدید از سوی ایران وجود داشت، مدعی شد آمریکا توانست بازدارندگی را در این وضعیت حفظ کند و هدف واشنگتن جلوگیری از جنگ بوده است. مک کنزی ادامه داد: برخلاف آنچه برخی تحلیلگران نظامی و امنیتی نگران بودند که ایران در روزهای پایانی کار رئیس‌جمهور دونالد ترامپ انجام دهد، این کشور تنها به هیچ هدف آمریکایی در منطقه به‌طور مستقیم حمله نکرد، بلکه توانست به میزان زیادی بازیگران نیابتی خود را در عراق و بخش‌های دیگر منطقه مدیریت کند. البته تمامی این گروه‌ها به‌طور مستقیم تحت فرماندهی و کنترل تهران نیستند.

این فرمانده نظامی آمریکایی همچنین گفت

### باکو اولین مقصد وزیر خارجه ایران

# تور قفقازی ظریف



منافع مشترک در منطقه ارزیابی کرد. الهام علی‌اف همچنین از برگزاری نشست‌های سه‌جانبه ایران–آذربایجان – روسیه و همچنین ایران – آذربایجان – ترکیه در آینده استقبال کرد.

**دیدار در آرامش پس از توفان**

اما سفرهای قفقازی ظریف درحالی کلید خورده است که مقاصد این سفر، به‌تازگی از دور تازه درگیری‌های باکو و ایروان بر سر قره‌باغ فارغ شده‌اند. دوری که این‌بار با موفقیت جمهوری آذربایجان با حمایت ترکیه، شکست ارمنستان و میانجیگری روسیه و ایران همراه بود. بعد از سفرهای معاون سیاسی ظریف که از جایگاه میانجیگری و در اواخر درگیری‌ها انجام شد، حالا و پس از پایان جدال، طرف برای تبیین و تئور وضعیت روابط ایران در شکل تازه منطقه راهی این سفر شده است. تحولات و توافقات پس از ماجرای قره‌باغ نیز علاوه بر جنبه سیاسی، از جنبه اقتصادی و تجاری نیز صحنه تازه‌ای را رسم می‌کند که ایران باید حالا در آن دوباره به دنبال ترسیم و یافتن جایگاه خود در آن است.

علاوه بر اینها، ایران در مسیر نفس‌کشیدن در فضای جدیدی نیز هست و در سفرهای این‌چنینی باید چارچوب‌های این فضا را برای خود شناسایی و مشخص کند. با تغییر رئیس‌جمهور در آمریکا، متولیان «فشار حداکثری» از رأس قدرت در واشنگتن رفته‌اند و میراث‌داران باراک اوبامایی جای آنها را گرفته‌اند که در چهار سال گذشته از دسترس دور بوده‌اند.

**گفت‌وگوی دوباره با حامی برجام و شریک آستانه**

در این میان، مسکو جایگاه ویژه‌ای دارد. همسایه قدرتمند ایران، یکی از امضانندگان توافق هسته‌ای

## دیپلماسی

ایران توانست به میزان زیادی این گروه‌ها را متقاعد کند که اکنون زمان تحریک به جنگ نیست و این، تنها نتیجه مؤلفه نظامی نیست بلکه محاسبات سیاسی در تهران وجود دارد که منتظر دولت جدید (در آمریکا) است تا ببیند آیا چیزی تغییر خواهد کرد. اکنون یک دولت جدید روی کار آمده که سیاست آمریکا را بازبینی می‌کند.

به گزارش اورشلیم‌پست، بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل نیز در جلسه کابینه و پس از تبریک‌گفتن به جو بایدن، رئیس‌جمهور جدید آمریکا، عنوان کرد که با بایدن برای «مقابله با چالش‌های مشترک که در رأس آنها تهدید ایران قرار دارد»، همکاری خواهد کرد.

### باکو اولین مقصد وزیر خارجه ایران

# تور قفقازی ظریف

تا شاید تلاشی برای جلوگیری از تبدیل این منطقه به مرکز تنش و درگیری جدید کند.

**حمایت از ایده همکاری ۶جانبه**

ظریف در دیدار با علی‌اف در استقبال از طرحی صحبت کرد که چندی‌پیش در دیدار علی‌اف و اردوغان مطرح شد، اما در هیاهوی خبری دیگری کم شد. اواخر آذرماه، اردوغان در دیداری با علی‌اف که پس از پیروزی باکو در جنگ انجام شده بود، شعری خواند که مفاهیم ضدایرانی در آن، با واکنش گسترده از سوی مقامات و افکار عمومی ایران مواجه شد و کار تا عذرخواهی طرف ترک نیز پیش رفت. اما در جریان همین دیدار، ایده همکاری شش‌جانبه منطقه‌ای بین روسیه، ایران، ترکیه، جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان مطرح شد. ظریف با استقبال از این طرح پیشنهادی تحت عنوان ابتکار همکاری‌های منطقه‌ای ۶جانبه، آمادگی جمهوری اسلامی ایران را برای کمک و همکاری در همه زمینه‌هایی که به برقراری صلح، ثبات و آرامش در منطقه کمک کند، اعلام کرد. مشخص نیست آیا این طرح پیگیری خواهد شد یا مثل برخی تلاش‌های دیگر برای صلح و ثبات در منطقه ناکام خواهد ماند اما برقراری چنین ارتباط چندجانبه‌ای انگیزه‌بخش افزایش ثبات و تعامل با شکلی گسترده می‌شود و می‌تواند بسیاری تنش‌های جریان است. ایران در همین فضا به دنبال هماهنگی با روسیه است تا برای اتفاقاتی که ممکن است پیش‌رو باشد، آماده باشد.

حذف احتمالی راهبرد «فشار حداکثری» از صحنه خاورمیانه و بی‌میلی احتمالی ساکنان جدید کاخ سفید به تنش‌ها و تقابل‌ها با ایران در منطقه از سوی بازیگران نزدیک به آمریکا نیز به نوبه خود می‌تواند

فضای منطقه را تغییر دهد و انگیزه‌ها برای کاهش تنش‌ها و رسیدن به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را بالا ببرد. رزمه‌هایی درباره تعامل احتمالی بین ایران و کشورهای عربی منطقه و به‌طورخاص، عربستان سعودی در حال شنیده‌شدن هستند. در همین راستا، روسیه نیز آمادگی خود را برای نقش‌آفرینی است زمینه اعلام کرده و رایزنی‌هایی نیز در این زمینه داشته است. بدون تردید، مقامات دو کشوری که در مسئله سوریه مدت‌ها مشغول تعامل و همکاری هستند، در این سفر ظریف، درباره چشم‌انداز تعاملات دیپلماتیک جدید در منطقه نیز رایزنی‌ها و گفت‌وگوهایی خواهند داشت.

**تعامل با اردوگاه فاتح قره‌باغ**

ماجرای جنگ قره‌باغ، تنها از لحاظ نظامی در منطقه تأثیرگذار نبود. علاوه بر خاک ایران که در جریان جنگ در معرض خمپاره‌های سرگردان قرار گرفته بود، روابط ایران در این منطقه نیز در معرض تهدید قرار گرفت. جمهوری آذربایجان تعامل بسیار نزدیکی در طول دوران این جنگ با اسرائیل داشت و از همکاری و حمایت اسرائیل بهره برد. نتیجه طبیعی این تعامل، نزدیکی اسرائیل با دولت باکو در روزهای پس از جنگ است و این به‌معنای نزدیک‌ترشدن اسرائیل به مرزهای ایران است. در سایه این نزدیکی ایران احتمالاً باید تلاش خود را بکند تا حداقل این همسایه نزدیک، به بخشی از جبهه علیه ایران تبدیل یا به آن بیش‌ازحد نزدیک شود. شاید ابراز خوشحالی صریح ظریف از پیروزی باکو در جنگ قره‌باغ و ابراز تمایل برای همکاری در بازسازی مناطق نیز در سایه همین خواست ایران معنادارتر می‌شود.

علاوه بر اسرائیل، جمهوری آذربایجان در ماجرای قره‌باغ، ترکیه را نیز وارد بازی کرد و این باز می‌تواند تهدید بالقوه دیگری برای منطقه باشد که ایران باید به دنبال کنترلش باشد. ماجرای قره‌باغ، از سویی می‌تواند فرصت پیگیری جاه‌طلبی‌های رجب طیب اردوغان در تعقیب سناریوی احیای عثمانی باشد، سناریویی که به گفته برخی، حتی درگیری با چین و تلاش برای جلب حمایت اویغورها را نیز در فهرست دارد. نزدیکی ترکیه با آذربایجان بر مبنای نگاه‌های نژادی و قوم‌گرایانه البته می‌تواند تهدید تازه‌ای برای منطقه ایجاد کند اما این تهدید وقتی عیان‌تر می‌شود که مشخص شود اردوغان در این مسیر تا چه اندازه بی‌محاباست. رئیس‌جمهور ترکیه که در ماجرای حملاتش به مناطق کردنشین پیش‌تر نشان داده بود که در استفاده از فرصت تا چه حد پیش می‌رود، از نگاه برخی ناظران منطقه منتهم است که در ماجرای جنگ قره‌باغ، پای نیروهای تورپستی مثل باقی‌مانده‌های داعش را نیز به درگیری باکو و ایروان کشانده است. در سایه چنین تعاملاتی از سوی جمهوری آذربایجان است که ظریف راهی باکو شده

ادامه از صفحه اول

### تأملی در باب برآمدن ترامپ و عاقبت کارش

این ضرباتی که پیکر واشنگتن‌دی‌سی را به لرزه درآورد، آیا از نشانه‌های رشد ادویدی معاصر در بطن بوکاسته نیست؟ در واقع به نظر می‌رسد از زمانی که فشارهای بی‌وقفه ایالات متحده دنیا نتوانست جنبش‌های اسلام‌گرا را مهار کند و جمهوری اسلامی ایران را به تسلیم وادارد، دوره انقباضی هژمونی ۵۰ ساله (پس از اوچش در سال ۲۰۱۰) شروع شده و شاید بتوان جنبش اخیر واشنگتن را افق رویداد این تکتیکی عظیم فرض کرد. برخلاف آنچه رسانه‌ها و ناخوهران هژمونی می‌کوشند القا کنند، این جنبش صرفاً نهضتی ضددموکراسی نیست، بلکه وجه اصلی آن هراس از تبعات هژمونی است و تلاش برای احیای فردگرایی اصلی که مبنای خلق ایالات متحده آمریکا شد، به جای فردگرایی بی‌وطن مورد توجه آن هژمونی جهانی که انسان‌ها را به شکل ذره‌های خاکاره می‌پسندد.

۴– آنچه رخداد ششم ژانویه را تأملی برانگیزتر می‌کند این است که حرکت مزبور با استفاده از همان ابزارهایی توانست خود را سازماندهی کند که اساساً برای تحکیم هژمونی ایالات متحده دنیا خلق، تقویت و تقدیس شده است. شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی که به‌ظاهر کارکردی در راستای مدرنیته و فردگرایی و نفی سنت‌ها دارند، به نحوی غریب موجب انسجام و وحدت گروه‌های سنت‌گرا، ژادپرست و مدرنیته‌گریز شدند. ترامپ پیش از هر چیز یک تاجر فرصت‌طلب با قدرت ریسک بالااست که توانست ظرفیت‌های شخصیتی و توانمندی رسانه‌ای خودش را ابزاری کارآمد برای جلب آرای کسانی کند که زوال‌های هژمونی حاکم بر آمریکا را نمی‌پسندیدند و به جای آن، شعار «اول آمریکا» را فریاد می‌زدند. کسانی که در شهروند آمریکابودن مزایای بیشتری برای خود می‌بینند تا در شهروند جهان‌بودن. به نظر می‌رسد هژمونی ایالات متحده دنیا به دو آفت اصلی امپراتوری‌ها دچار شده است. اول بزرگی بیش‌ازحد که امکان کنترل را کاهش و اجازه می‌دهد فعالیت‌هایی ناخوشایند در لایه‌هایش نباید و مخفی بمانند. دوم آموزش به دشمنان برای استفاده از تکنیک‌ها و راهبردهایی که باعث موفقیت‌های پیشین هژمون شده‌اند.

۵– ابهامات انتخاباتی‌که از ۲۰ سال‌گذشته مداوم باعث نارضایتی عده‌ای از مردم آمریکا شده‌اند، دیگر مانند قرن ۱۹ و ۲۰ فرصت بی‌اهمیت‌شدن در رسانه‌ها را از دست داده‌اند. در شبکه‌های مجازی پیوسته درباره‌اشان بحث‌های دامنه‌های در جریان است و به جای راهکارهای متداول در سیاست، بیشتر راه‌حل‌هایی متکی بر عاطفه و احساس برایشان طرح می‌شود. بی‌شک برای ترامپ بازی به پایان نرسیده است. از او مهم‌تر برای ترامپیت‌ها و نیز برای بقیه مخالفان رویکردهای جهانی آمریکا، چه در خود آمریکا و چه در بقیه دنیا.

ادامه از صفحه ۲

### چگونه وضعیت ایران بسامان می‌شود؟

در مواردی هم اگر سخنی در این حوزه عنوان می‌شود از موضع سلبی است و نفی و نقد سایر الگوها، رفتارها و عملکردها و نه از موضع اجابیی و آنکه خود آنان چه مدل و برنامه اقتصادی را مطلوب و ممکن می‌دانند. به‌عبارتی این جریان‌ها وقتی در مقابل این سؤال که جدای از حوزه سیاست، برنامه شما برای حل اتبوه مشکلات و بحران‌های اقتصادی همچون رشد نازل اقتصادی، نرخ تورم و بی‌کاری بالا و دورقمی، ضعف شدید سرمایه‌گذاری و… چیست و تحقق توسعه اقتصادی کشور چگونه امکان‌پذیر است و نقش و سهم و جایگاه دولت یا بخش خصوصی را چگونه ارزیابی می‌کنید یا معضلات حاد تولید و انباشت سرمایه از چه طرفی قابل حل است و نظر و نگاهتان نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی و امنیت سرمایه‌گذاران داخلی و نهاد مالکیت و… چیست؟ اما برخی فقط شعارهایی در ضرورت عدالت اجتماعی، مبارزه با فقر، ایجاد کار مولد، مسکن مناسب، تقویت پول ملی، مبارزه با رانت‌خواری و خصوصی‌سازی و… سر می‌دهند. این افراد و جریان‌ها از همان بیماری رنج می‌برند که دولت مورد نقد آنان، یعنی اسارت در «نفت» و فرهنگ نفتی، درواقع همان طوری که دولت‌ها در کشورمان در چند دهه عمدتاً با اتکا به درآمدهای نفتی و صادرات به‌اصطلاح غیرنفتی اما مبتنی بر نفت، فکر نظام حقوقی مالکیت و چگونگی انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری و تولید رقابتی و… را در قالب یک مدل اقتصادی غیرضروری و حاشیه‌ای پنداشته و می‌پندارند. این گروه‌های سیاسی نیز اصولاً امر تولید را مشکل و مسئله نمی‌دانند و آن را امری حل‌شده تصور می‌کنند و تمام فکر و ذکر و تئوری‌شان کسب قدرت و بر سرکارآوردن یک دولت خوب است که اقدام به «توزیع عادلانه» منابع کند. توزیع منابع موجود یا آتی حاصل‌شده از درآمدهای نفتی یا سایر مواد خام و نیمه‌فراوری‌شده معدنی، نبود مدل و الگوی اقتصادی و توسعه‌ای مبتنی بر راه جامعه (و نه سایر اهداف آرمانی و اعتقادی) متناسب با امکانات و محدودیت‌های کشور، اساس مشکلات امروز ماست و تا این ابرچالش رفع نشود، لویح بودجه و برنامه‌های توسعه‌ای و افق‌ها و منشورها … به نتیجه نام‌نرم‌رسد و دستیابی به دولت توسط گروه‌های سیاسی منتقد گروه فعلی هم کار این ملک و میهن را بسامان نخواهد کرد.